شب بیست و چهار ساعته در لیلة القدر، طبق تقویم نصف النهار دحو الارض

شاگرد۲: فرمایش شما با قولی که گفت دو تا شب قدر داریم، چیست؟ یعنی درواقع ثمره عملی ندارد. چون همانطوری که اول ماه‌شان دو تا است، شب قدرشان هم دو تا است. بله، فرمایش شما ثبوتا یک نظمی ایجاد می‌کند، شاید آنها ناظر به همین مقام عمل صحبت می‌کنند.

استاد: نه، روی این مبنا، ما یک شب بیست و چهار ساعته داریم. یعنی مثلاً آلآن ساعت ده صبح ما است، اما می‌گوییم شب لیلة القدر بیست و چهار ساعته برای کل کره شروع می‌شود. چون ما از اول ماه شروع کردیم. لذا جلوتر عرض کردم، در اقبال هست که حضرت فرمودند: «ویومها کلیلته»[1] ؛ صبح شد نگو صبح شد. صبح هم مثل شبش دعا کن. یعنی لیلة القدر محلی شما دوازده ساعت است. اما لیلة القدر کل کره بیست و چهار ساعت است. پس دیگر نوعی کجا شد؟! این مطالب به این خوبی هست.

شاگرد: ثمره اش این است که ما توجه کنیم چند جور حکم داریم. مثلاً برای ما امروز اول ماه است و روزه را امروز شروع می‌کنیم. فلان شهر هم فردا روزه را شروع می‌کند، اما شب قدرمان یکی است. بعد هم ممکن است عیدمان هم یکی شود. یعنی هر دو را قبول می‌کنیم.

استاد: اگر بعداً گفتیم کل مسلمین ما به الارتباط دارند، حکام شرع کل کره چه چیزی را اعلام می‌کند؟ می‌گوید روز یک شنبه دحو الارض عید است. یعنی خودش یک نظم است. الآن اینطور است. در ارتباطات جهانی ما دو روز یک شنبه نداریم. وقتی می‌گویند روز یک شنبه فلان رئیس‌جمهور گفت، نمی‌گویند یک شنبه خودشان بود. آنها که می‌گویند یک شنبه گفت، چون برای کل کره است، یعنی یک شنبه گرینویچ. یک شنبه گرینویچ باید آغاز شده باشد. بگویند هنوز که یک شنبه او آغاز نشده بود که این را گفت! ما که با آن کاری نداریم. الآن داریم با لسانی صحبت می‌کنیم که جهانی است.

شاگرد: یعنی عملاً می‌پذیریم که یک عده امسال بیست و نه روز دارند، یک عده سی روز دارند؟

استاد: جلسه قبل سؤالی را مطرح کردم. فعلاً اینها نیاز به ... .

شاگرد۲: نتیجه الزامی فرمایش شما این است؟

استاد: الزامی نیست. ولی احتمالش می‌آید که باید بررسی شود.

شاگرد۲: احتمال آن طرفش هم هست. اگر تقویم را واحد قرار دادیم، همان تقویم معیاری برای ابتداء و انتهاء می‌شود. این احتمال بیشتر به ذهن می‌آید.

استاد: آن حرف دیگری است. یک مئونه می‌خواهد، سنگ شکن می‌خواهد؛ باید بلدیزر بیاید، نه لودر!

شاگرد: شما می‌فرمایید ما با این مشکلی نداریم، شارع خودش گفته ما محلی را قرار می‌دهیم. بعد آن افق واحد که حاکم شرع جدا ندارد.

شاگرد۲: دو حیث دارد. از یک حیث محلی است و از یک حیث عمومی است.

---

[1] الإقبال بالأعمال الحسنة - ط الحديثة نویسنده : السيد بن طاووس جلد : ۱ صفحه : ۳۵۱

بازبینی #1
ایجاد شده 23 آوریل 2026 12:23:06 توسط ... .
به روزرسانی شده 23 آوریل 2026 12:24:27 توسط ... .